

گفت و گوی «جوان» با یکی از هم‌زمان سیدمجتبی حسینی از فرماندهان اطلاعات عملیات لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله

رزنده‌های به شجاعت سیدمجتبی ندیدم



انقدر با شجاعت و دقت شناسایی‌ها را انجام دهد، خیلی از دوستانتش شهید شده بودند و همیشه بابت شهادت نیروها حسرت می‌خورد و از رفتن‌شان ناراحت می‌شد. قبل از عملیات‌ها می‌گفت حیف است این نیروها شهید شوند. اعتقاد داشت خیلی از این نیروها در منطقه گره گشا هستند و کمک‌مان می‌کنند. قبل از عملیات‌ها همیشه عینک من را از زیر ماشین آخر عملیات‌های بعدی دوباره کارهای شناسایی و در عملیات‌های بعدی دوباره کارهای شناسایی انجام می‌دادیم و شب عملیات‌ها می‌رسید، من می‌دیدم عینکم شکسته است، من هم عینکی بودم و در شب بدون عینک دیدم خیلی بد می‌شد. شب عملیات کربلای ۵ هم همین کار را انجام داد



اکبر یوسفی فشکی رتبه سرتیپ دوم در دوران دفاع مقدس

**■ احمد محمد تبریزی**  
نیروهای اطلاعات عملیات لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله خاطرات زیادی از شجاعت و دل‌آوری شهید سیدمجتبی حسینی دارم. سیدمجتبی نیروی اطلاعات و عملیات لشکر ۲۷ بود و هنگام شهادتش سرپرستی این واحد را بر عهده داشت. شهید حسینی با شجاعت زیادی شناسایی‌ها را انجام می‌داد و اعتقاد داشت نیروها نباید به خاطر کم‌کاری در شناسایی مناطق عملیاتی به شهادت برسند. جانباژ اکبر یوسفی فشکی که خود برادر شهید است، از سال ۱۳۶۱ با شهید حسینی آشنا شد و رفاقت جانانه‌ای با همدیگر پیدا کردند. سیدمجتبی در اولین روز از عملیات کربلای ۵ آسمانی شد و غم بزرگی را بر دل دوست و رفیقش گذاشت. یوسفی فشکی در گفت‌وگو با «جوان» ضمن مرور خاطرات سیدمجتبی از شجاعت و دل‌آوری این سردار رشید اسلام می‌گوید.

سابقه آشنایی شما با شهید حسینی به چه زمانی برمی‌گردد؟  
شناسایی سنجرهایشان می‌پرداخت، می‌گفت شناسایی‌ها به بهترین شکل باید انجام شود تا شب عملیات نیروهای عمل‌کننده اطلاعات کلفی از منطقه داشته باشند و سنجرها را بشناسند. عراق سنجرهایی داشت که داخلش نیرو نبود. سیدمجتبی می‌گفت باید آن سنجرهای خالی را شناسایی کنم تا در شب عملیات نیروهایی که پیشان را به خط مقدم دشمن می‌گذارند یک تیر هم زنند و خودشان را به سنگر دشمن برسانند. می‌گفت نیروها نباید نرسیده به خط مقدم عراقی‌ها یا دوشکای دشمن مورد هدف قرار بگیرند. می‌گفت بچه‌های اطلاعات اگر جگر نداشتند نباید در این قسمت کار کنند. اگر آمدید باید مرانه پای کار بایستید و این سنجرها را پیدا کنید. اعتقاد داشت شب عملیات باید طوری نیرو را هدایت کرد که هیچ نیرویی آنها را نبیند. من شجاعت‌های زیادی از این آدم دیدم که هیچ وقت را قبول نمی‌کرد. چون بسیجی بود، دوست داشت همینطور بسیجی‌وار به دور از هرگونه مسئولیتی کار کند. از همان سال ۱۳۶۱ از مسئولیت فراری بود و می‌خواست به عنوان یک نیروی ساده و در نهایت گمنامی فعالیت کند. اطلاعات عملیات هم جای حساسی بود و معمولاً نیروهای پاسدار مسئول اطلاعات عملیات می‌شدند. در نهایت سیدمجتبی با اصرار زیادی مسئولیت اطلاعات عملیات لشکر ۲۷ را پذیرفت.

**کارش در اطلاعات عملیات چگونه بود؟**  
شهید حسینی در تمام مقاطعی که در لشکر ۲۷ حضور داشت به دور از حاشیه‌ها فقط کارش را انجام می‌داد. کارش را وظیفه شرعی می‌دانست و دوست نداشت کسی از او تقدیر کند. حتی پس از شهادتش هم می‌خواست گمنام و پنهان بماند. پیکرش پشت خاکریزی در دشت شلمچه قطع کارش را انجام می‌داد. کارش را با وجود و یا عشق بود. سیدمجتبی خیلی مشتاق بود. مثل یک دانش‌آموز لباس می‌پوشید لباس‌های همیشه اتو کشیده و تمیز بود. یک بار به من گفت کوله‌پشتی‌ام را بیاور. وقتی کوله‌پشتی‌اش را باز کرد من از شدت دقت و تمیزی کوله‌اش شگفت‌زده شدم. همه چیز با دقت و وسواس خاصی در کوله چیده شده بود. سید خلی می‌گفت من تمیزی بود و کارهایش را تمیز انجام می‌داد. رفتارهایش همه تمیز بود و این از وجود و ذات پاکش می‌آمد.

**در کارها حواسشان به نیرو و هیاتشان بود؟**  
علاقه سیدمجتبی به نیروها سبب می‌شد تا در قایق‌های لنگی پنهان می‌شدند تا نیروهای ما را غافلگیر کنند و بزنند. در شناسایی‌ها اگر یکی از نیروها کم می‌شد، برگشتش دیگر با خدا بود. سیدمجتبی وقتی از شناسایی برمی‌گشت، بندش باد می‌کرد، من چند شب که برای شناسایی رفته بودم، می‌دیدم که پشه‌ها چطور از سر و صورت بالا می‌رفتند و جابری نفس کشیدن نمی‌گذاشتند. تازه بعد از این همه سختی کشیدن به کمین دشمن می‌خوردیم و باید با مکافات آن را رد می‌کردیم و در یک محوطه ۱۰۰ متری که بالای سرش را منورهای دشمن روشن می‌کرد، باید کار می‌کردیم. سیدمجتبی با کمترین امکانات حرکت می‌کرد. می‌رفت و تازه به ۲۰ متری

یادکرد



نگاهی به مجاهدت‌های شهید مهدی بخشی از شهدای عملیات کربلای ۵

همراه شدن با حاج احمد متوسلیان از او یک نیروی پخته ساخت

**■ آرمان شریف**  
شهید مهدی بخشی در اوج جوانی با حضور در لبنان تجربیات گرانبهایی کسب کرد و این تجربیات را در جبهه‌های دفاع مقدس به کار بست. او خیلی زود با شهید متوسلیان آشنا شد و این آشنایی تأثیر زیادی در رشد و پختگی‌اش داشت. شهید بخشی به عنوان معاون گردان مالک اشتر لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله (ص) در جریان عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید و آسمانی شد.

**■ آشنایی با فرماندهان**  
شهید بخشی در سال ۱۳۴۲ در تهران به دنیا آمد و ۱۶ ساله بود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. از همان زمان فعالیت‌های جهادی مهدی شدت بیشتری گرفت و او با حضور در بسیج و کمیته بر دامنه فعالیت‌هایش افزود. شهید بخشی در سال ۱۳۶۱ در تهران به دنیا آمد و ۱۶ ساله بود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. از همان زمان فعالیت‌های جهادی مهدی شدت بیشتری گرفت و او با حضور در بسیج و کمیته بر دامنه فعالیت‌هایش افزود.

**■ دیدار پس از ۱۰ سال**  
شهید بخشی روحیه خشک نظامی نداشت و برای بچه‌ها وقت زیادی می‌گذاشت. مثل یک معلم با بچه‌ها رفتار می‌کرد و به آنها درس می‌داد. خیلی توصیه به درس خواندن می‌کرد. خواهر شهید درباره این خلاق برادرش می‌گوید: «وقتی پیش بچه‌های من می‌آمد خیلی هوشیاران را داشت و برایشان شعر و قرآن حاج احمد از مهدی جوان یک نیروی باتجربه و پخته ساخت. شهید بخشی این فعالیت‌هایش را از خانواده و دوستان پنهان می‌کرد و هیچ کسی کمتر از اطلاع‌های او مأموریت‌هایش را نداشت. مأموریت‌هایش مخفی بود و به کسی چیزی نمی‌گفت.

**■ پرکاری و گمنامی**  
با وجود فعالیت‌های گسترده شهید بخشی، او در گمنامی کار می‌کرد و بسیاری از دوستان و هم‌زمانش از کارهایش خبر نداشتند. همواره همه نیروها بود. در منطقه هم همیشه حواسش به پیدایی می‌کرد.

۳	۱	۵	۷	۹
	۲	۷		
		۳	۴	۶
		۵	۶	
		۳		۲
		۶	۷	۸
		۸	۵	

جدول سودوکو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۴۰۲

۵	۸	۷	۱	۷	۷	۷	۷
۷	۱	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

از راست به چپ

- ۱- خودداری از اظهار عقیده و مذهب، یا تظاهر بر خلاف عقیده - شهری در شمال شرقی آفریقای جنوبی - ۲ - طایفه کوچ‌نشین - دسته‌ای از مردم که از یک نژاد باشند - حرکتی در ژئواستراتژیک - ۳ - شهری در استان بوشهر - نمایش غم‌انگیز - تبلی در کار - بخیه درشت - ۴ - اجراکننده نمایش تلویزیونی - اکنون پیش روی شمسات - رشته و مجموعه - ۵ - ابزار و آلت - زندان تهران - بی‌وقت و بی‌موقع - ۶ - شیرینی‌شاهه‌ای - شخصی بی‌توجه به بهداشت فردی - آبی و الساعه - ۷ - مروارید کویر - تلخ - دستگاه نمایش فیلم - ۸ - روده تابنده چهار پایان - نویسنده کتاب - تکار - کافی - ۹ - از بیماری‌هایی که از دام به انسان انتقال می‌یابد - گاه کوتاه‌شده - درستی و سلامت - ۱۰ - از نام‌های بهشت - مسجد و بازاری در شیراز - دوره گرد - ۱۱ - زیارت‌کننده - ماهی فروش - همزیستی و سازش - ۱۲ - پدر بزرگ - با نظم و ترتیب - مأمور حفاظت - ۱۳ - پایتخت آلمان غربی - سالیق - وطن و میهن - لباس زنان هندی - نوعی رنگ خودرو - ۱۴ - رئیس شهید ستاد مشترک ارتش - مسابقه اسب‌دوانی - نوعی برادر و خواهر - ۱۵ - درمانی برای بیماران سرطانی - از غزوات پیامبر اکرم

از بالا به پایین

- ۱ - نمایشنامه‌ای از ویلیام شکسپیر - حشره نیشدار - ۲ - ولی - از هفت‌سین‌ها - نوعی طلا - ۳ - پهلوان - کلاهر دار - قهوه‌خانه فرنگی - بچه می‌کشد - ۴ - هیئت رهبری سیاسی یک کشور - اقیانوس آرام - فارسی قدیم - ۵ - پارچه‌ای قیمتی - مکان و اشیان - بهشت - ۶ - خشمگین - تیم فوتبال شهر برلین - واگیری بیماری‌ها - ۷ - آماس - بالای - فرنگی - دستگاه ریختن طول موج - ۸ - تکرار حرفی - بافنده و نساج - شهر تخت سلیمان - ویتامین جدولی - ۹ - به مدافع آخر فوتبال گفته می‌شود - سرسلسله اعداد - غذای رقیق - ۱۰ - حرکت آونگی داشتن - زیارت؛ طفیلی - وسیله حمل بار قدیمی‌ها - ۱۱ - نوعی پارچه - فرصتی برای انجام عمل یا اقدامی خاص - از ماه‌های میلادی - ۱۲ - برکتار و غیره - هلاک و نیستی - لباس زرتشتی‌ها - ۱۳ - رودی در چین - شیوه زندگی بزرگان - شکارکننده - شور و هیجان همگانی - ۱۴ - قایق پارویی - دریاها - خرمن گندم یا جو - ۱۵ - از وسایل نقشه‌کشی - راهبردی در فضا - تغییر جنگی